توجه و بروزی نخستین آثار و شواهد زبان فارسی در چین: ردپایی از ایران پس از اسلام در چین معاصر

تهمنه باذرآ

چکیده
یکی از کانون‌های اصلی جاده ایرانی، به عنوان شامله‌ای ارتباطی شرق و غرب، سرمایه به‌ناور و چین است. جاده ایرانی به‌عنوان از آن مسیر تبدیلات فرهنگی بین‌افزایی و اجتماعی نیز به‌شمار می‌رفته است که اساسی برای چینی‌گری، زبان و مصالح زبانی است.

ایران از جمله کشورهای برگری است که بخش اعظم جاده ایرانی از آن عبور می‌کرد. این در اثر شرایط خاص ایران و قرارگیری دنیا در بخش عظم جاده ایرانی و همسایگی با چین باعث گردیده تبدیلات فرهنگی و زبانی میان این دو تمدید یزدی با سیاست‌های شورا. آثار به‌دست آمده و پژوهش‌های انجام شده مورد این موضوع است که علاوه بر زبان سانسکریت به عنوان زبان فارسی تأثیرات عمیقی در فرهنگ چینی به‌ویژه در زمان اقیانوس مسلمان این کشور به‌شکل‌هایی که تأثیرات آن تا به امروز بالی است. 

برای همین، در پژوهش‌های اخیر به‌خاطر زبان‌پژوهان اولین استادی و نشان‌های باستانی افت شده و پاتی‌های مربوط به خط و زبان فارسی را در زبان چینی به‌ویژه در مورد نخستین مراحل اموزش زبان فارسی در این سرزمین پژوهان معرفی شدند. این زبان فارسی در این سرزمین و به‌خاطر کمی، واقعیت کنیم، واقعیت چینی فارسی موجود در زبان چینی نخستین مدرسه تربیت و اولین مدرسه فارسی در چین می‌باشد و نگاه می‌کند. در ادامه به تحلیل و بروزی آنها خواهیم برداشت.

واژگان کلیدی: زبان فارسی، زبان چینی، وام وارد، فرهنگ لغت، مدرسه تربیت

1 استاد خارجی کروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی پکن، چین، tahminehbazdar@gamil.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۹
1. مقدمه

مطالعات ایرانی‌نشناسی در چنین طی چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران، استادان
ایران‌نشناس چنین قرار گرفته و به نتایج چشم گیری رسیده است. توجه و استقبال از این
موضوع و نتایج ارزشمند آن در زمانی که از دو جنبه قابل بررسی است:
می‌توان گفت مسئله نخست که موجب روز اوردنه به مطالعات ایران‌نشناسی
گردیده، به ذات فرهنگ پارسی مربوط است؛ تبدیل‌های باستانی بالانقطاع و با‌پایدار در
جهان انجام‌شده شمار هستند، به عبارتی تمدن‌هایی که سلسله‌ای بودن آنها در طول
تاریخ منطقه نشده و پیوسته‌ها به امروز ادامه داشته، اندک هستند. ایران و چین در زمره
این دست تمدن‌های پانا به شمار می‌روند. برای یافتن سرچشمه‌های تمدن پارسی نظرات و
بحث‌های بسیار زیادی وجود دارد و بیان و اثبات آن به سادگی و در چند جمله کار
ساده‌ای نیست، اما طبق برآوردهای نویسنده و تاریخ‌دان هندي، کوزامی، که نشان
می‌دهد در حدود دوهزار سال قبل از میلاد اقوام هندو و پارتی‌ها هنوز از یک‌دیگر جدا
نشده بودند و آریایی‌ها برای اولین بار، حدود سال 1750 قبل از میلاد وارد هند شدند،
و دوران‌های بعدی، حدود 1500 سال قبل از میلاد است، می‌توان غایت فرهنگ باستانی
پارسی را مشاهده کرد. نکته شایان توجه دیگر اینکه در قرن ششم قبل از میلاد،
داریوش (548–336ق م) امیراتوره هخامنشی را بیانی نهاد که بخش اعظم جهان آن
روز را زیر نفوذ خود قرار داد و تأثیر زیادی در تاریخ جهان داشته است. پس از ظهور
اسلام، ایران این آین جدید را یافته‌است که یکین بی‌پایان با یکهمتاده در راه‌های
فرهنگ کهن ایران زمین روان شد و این تمدن مانند بودن برون‌نها از بی‌جلای ابیشم، جان
دواریاگر کشف و دوختن و پیش‌گرفتن آن سرعت‌گرفت، حاصل این همگرایی،
با توجه به روش‌های عمیق این تمدن، دست‌آوردهای بزرگی در عرصه‌های مختلف
فلسفی، پزشکی، هنر و... و معرفی چهره‌های بی‌مانندی در بین سیاست، بزرگی,
خوارزمی و شاعران نامداری چون فردومنسی، سعدی و نشاط و مانند آن است که
بر جستجوی هم‌(xhr) با هم‌(xe) دانسته، شکبازیر، سروانتش، غوته و دیگر شاعران نامدار
جهان هستند. بهم جهان‌گردان پارسی و نوشته‌های آنها نیز در کشور این فرهنگ در
جهان بر هم‌(xhr) اشکاف و میره‌شن است.
دیل دور روز اولین به مطالعات مرتبط با ایران، تبادلات گسترده فرهنگی و تأثیر
فرهنگ ایران در چین است. جنگنده محقق آمریکایی لارا، کتابی با عنوان سینو-
افرانکیا (1919) ضمن ادعای به بی‌پای صمیمانه فرهنگی ایران و چین، تأکید می‌کند
درمان کشورهایی که با چین ارتباط دارند، ایران چیاگها و ویژه‌ای داده‌است. اگرچه
امروز نشان دهنده‌ای از ایران مز جغرافیایی ندارد، هم‌سرایی ایران با چین در درازای
تاریخ و مبادلات گسترده علمی، فرهنگی و تجاری از طریق جاده ابریشم، چین تأثیر
گرفتی در بردن این دو تمدن بانی گذارده که گذشته روزگاران نشان آن را از مبان
نبرده، یکی از این امور و یکی از این امرهای دانش‌نامه ایرانیان از تبادلات فکری و فرهنگی
را اشکارتر نموده است. نسج با راه او، در استان پیرهای چین آثار و باقی‌ای
زا و خاطرات باستانی گوناگون از جمله تجاری، سرگذشته و غیره به صورت سکه،
سنگ ترازو، کتیبه و... گسترش داده است. علاوه بر آن، آثار زیادی به چین می‌خورد که
در افست نقاط سرمزمین چین تأثیر فرهنگ ایرانیان را در این سرمزمین پنهان‌نگار
می‌دهد.

بر اساس این پژوهش به بررسی عوامل موثر فرهنگی سرمزمین پارس به‌ویژه
در حوزه خلاق و زبان فارسی به‌ویژه تبادلات و نفوذ به ذهن‌های تأثیر زبان فارسی،
av
اولین تبادلات بین زبان، آثار نخستین فرهنگ و لغت زبان فارسی و وام وزن‌های
فارسی در زبان چینی و... را براساس یافته‌های محققان بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

**2. تحلیل و بررسی پژوهش‌های زبان فارسی در چین**

**2.1 واژه‌ها و وام وزن‌های**

نگاهی به مطالعات و پژوهش‌های ایرانی در حوزه چین نشان می‌دهد اغلب این
تحقیقات بر مطالعات زبانی محور که دانسته‌ها با استفاده از موضوعات اصلی
تحقیقات آنان زبان فارسی و دیگر زبان‌های متوقف با آن از جمله وزن‌های فارسی در زبان
چینی بوده است، مثل: خوانی شی-چیان (1993: 29) معنی‌دار است "زبان فارسی از
سرچشمه‌های اصلی ورام و وزن‌های موجود در زبان چینی است، حتی در زبان چینی
امروز نیز هنوز هم برخی از واژه‌ها برگرفته‌ای از زبان فارسی به‌چشم می‌خورده.
یافته‌ها که به تعداد این واژه‌ها در واقع بیشتر از این تعداد بوده است و این امر در پژوهش‌های بعدی قابل استفاده است. پس از لاف پژوهش‌های ایران‌شناسی و اکتشافات در مونو و ویژه‌های منتشر با فارسی مثل فارسی میانه، سعدی و خشای روز به روز بیشتر شد. برای مثال در سلسله تاریخی و نیویکات کتاب مقدس بوادیها که توسط بوکانگه چی‌تی رکه شده است، با عنوان "بوادی آگاهی برگزگ" که یکی از چهار حقیقت شرف آئین بوادی به شمار می‌آید و "سوتات ایبی خیر و شر" که توسط گاوانتگی ذکر شده که در آن در مورد صور فلکی دوازده‌گانه و تقویم کشاورزی صحبت شده است، روزهای هفته با تلفظ‌های زیر اورده شده که از فارسی میانه یکگز، شده است:

Yaosenwu 雅森勿 _______ yakh shamba
Louhuosenwu 娄霍森勿 _______ du shamba
Shisenwu 势森勿 _______ si shamba
Chesenwu掣森勿 _______ chaha:r shamba
Bensenwu 本森勿 _______ panj shamba
Shusenwu数森勿 _______ shah shamba
Xisenwu 西森勿 _______ haft shamba

(خوانگ شب چین، 1993: 30-29)

با گذشتن زمان، در سلسله یوآن و زبان‌های بیشتری از فارسی به زبان چینی راه پیدا کرد. در آن زمان، زبان‌های هنگامی بیشتر نقاط آسیا فارسی بودند و مردم آسیای غربی و آسیای میانه به چین راه یافتند که در درمان و امپراتوری یوآن هومونها از این ادیافرونی و روابط خوب و نژادی داشت است. در زمان سلسله یوآن که دوران حکومت مغول‌ها در چین است، سه خط کتاب‌رسمی در چین وجود داشت: خط چینی و خط خویی خویی. نکته‌های زبان‌های
اهمیت آن است که آنچه در تاریخ خط خویی خویی نامیده می‌شود، در واقع همان خط فارسی است. لیو بینگ نشکن (2008) اشاره است که در زمان سلسله پیون با گسترش ارتباطات بین الگهای چینی با کشورهای آتشفشان مدرسه‌هایی را برای یادگیری زبان‌های خارجی و زبان‌های اقیانوسی قومی چین و ترجمه داد و یکی از اصلی‌ترین مدرس‌های مربوط به زبان‌های فارسی بود. او در اینجا یاد می‌کند که خط فارسی در واقع به نام خط خویی خویی معروف بود. البته واژه «خویی» در فرهنگ لغت زبان چینی به معنی «برگشت» است. در فرهنگ معاصر زبان چینی، دیل مدخل این واژه آمده است که «استفاده از این واژه یکی از عقل نشان دهنده این است که کسی یا چیزی از چنین دیگری به جای اصلی خود حکایت می‌کند.» (2005: 762) بنابراین، بر این می‌گویم که جنون مردمان بازس دین اسلام را به این سرزمین بردن و باعث گروگردان بخشی از مردمان چینی به دین اسلام شدن، واژه خویی خویی به مردمان مسلمان شده چین نسبت داده می‌شد که معنی «برگشت» دارد. یعنی کسی که از آینه به این دیگر برگردانه است. پس کم‌کم این اقلیت قومی خویی خویی، نام گرفتند و خط مورد استفاده آنها محصولاً برای آموزش‌های دینی که خط فارسی بود «خط خویی خویی» نامیده می‌شد.

نکته دیگر این است که خویی خویی را دو گروه تشکیل می‌دادند. گروه اول همان‌گونه که یکی از دو تر ذکر شد، چینیان که به‌طور کلی اهلیت از آسیای مرکزی بودند که پارسی نبودند، اما مسلمان شده بودند و گروه دومی پارسی‌های مسلمان شده بودند. یکی از اسناد تاریخی چینی کتاب «ضرورت و تاریخ خط خوشنویسی» است که در سال 1376 ایلامی توسط نائو مونکی نصیحی (حدود 1329 – 1412 م) چینی تألف شده و نویسنده در اواخر سلسله پیون و اوایل سلسله مینگ می‌زیسته است. در این کتاب 29 حرف الفبای برای خط خویی خویی ثبت شده است، که در 78 میلیارد آن الفبای غربی و یک حرف از تلفیق لام و الف و با تلفظ لام به چشم می‌خورد. لیو بینگ شنگ (2008:2) حکم می‌زند که در آن زمان احتمالاً چهار حرف ۷، چ، چ و ره، شکل نوشتاری پیدا نکرده بود و هنوز وارد خط نوشتاری فارسی نشده بود، که خود در اصل آن خط عربی و یک گرفته شده بود.

از اسناد تاریخی دیگر می‌توان به «مجمع ضرورتیان زندگی» مربوط به سلسله یونان اشاره کرد. این مجمعی از ده فصل تشکیل شده است و نویسنده بی‌گردانده
پژوهشی از این و زمان فارسی در چین: ردپایی از ایران پس از اسلام در چین معاصر

اين مجموعه شيوه‌گر زونگ لی است. در فصل «خوراک‌ها و نوشیدنی‌ها» به خشکی با عنوان آمده و تا 12 خوراکی از زبان فارسی به فرهنگشده است. هتشتای آنها از فارسی گرفته شده اند که از قرار زیر است:

Shekeerpura سکر پیرا : _____ sukarpira

Tutumashi توتوماشی : _______ tuta:mi

Gulayi گلایی : __________ gola:ni

Halisa هالیسا : ________ harisaharissa

بوج و ازدیک نیز با تلفظ فارسی با عنوان کرنی است. اما موارد اولیه و طرز تهیه ثبت‌شده برای این خوراک با آنچه در ایران و به زبان فارسی است متفاوت است. (خوانگ شی قین، 1993: 106)

با نگاهی به مثال‌هایی که ذکر شد، می‌بینیم که به هر گذشته این واژه در کتاب‌ها اشاره‌ای نشده است. این امر ممیزان این است که وام وازه‌ها بیشتری از فارسی در چینی وجود دارد. در سال 1991 در مرکز پژوهش‌های دانشگاه کلمبیا در «طلس جامع ایران» ذیل عنوان «زبان و فرهنگ فارسی در چین» در قسمت «واژه‌های ایرانی موجود در منابع چینی» 99 واژه جمع‌آوری شده است. این تعداد نیز بسیار کمتر از تعداد واقعی واژه وازه‌ها می‌باشد. بنابراین، واژه‌های که در بیشتر واژه‌نامه‌های فارسی و در بچه‌بان‌ها و در این‌ها دیگر در آن به چشم نمی‌خوردند. در سال 1984 از آشنایی با واژه‌نامه‌های فرهنگ‌گذاری و زبان چینی یکصد 106 واژه‌ای از ایرانی گردآوری شده است که این تعداد شامل اسامی اشخاص، مکان‌ها و سایر اسامی خاص نیست. به‌دلیل عدم وجود برخی از واژه‌ها احتمالاً این فرهنگ نیز کامل نیست. اما به‌لطف اینکه ازواژه‌ها از لغات فرهنگ‌گذاری از همه پژوهش‌ها در خود دارد، می‌تواند به عنوان منبع خوبی مورد استفاده قرار گیرد (خوانگ شی قین، 1993: 106).
فردای لغات چینی معاصر به چشم نمی‌خورد و تعداد ۳۶ تا این واژه ها تا امروز در زبان چینی باقی مانده است و در طول سال‌ها به زبان چینی معاصر راه پیدا کرده است. از آن رو در زبان مسلمان‌بان پاسخگویی فارسی که تا امروز باقی مانده است، می‌تواند به این واژه از قرار زیر است:

<table>
<thead>
<tr>
<th>ردیف</th>
<th>پیشین‌وآوازه موجود در فرهنگ لغات چینی</th>
<th>پیشین‌وآوازه موجود در فرهنگ لغات چینی</th>
<th>معناً فارسی</th>
<th>معنی فارسی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>1</td>
<td>ahun</td>
<td>ahun</td>
<td>Akhund/akhund</td>
<td>آخوند</td>
</tr>
<tr>
<td>2</td>
<td>anshiliu</td>
<td>anshiliu</td>
<td>Arsak</td>
<td>ارسک، نوعی درخت میوه</td>
</tr>
<tr>
<td>3</td>
<td>Yanmole</td>
<td>Yougan</td>
<td>Amola</td>
<td>امولا، نوعی میوه</td>
</tr>
<tr>
<td>4</td>
<td>Badanxing</td>
<td>Badanxing/planta</td>
<td>Bādām</td>
<td>زردالو، بادام</td>
</tr>
<tr>
<td>5</td>
<td>baluzi</td>
<td>meishizisan</td>
<td>Ballu/ballut</td>
<td>پلوط</td>
</tr>
<tr>
<td>6</td>
<td>Bingtie</td>
<td>bingtie</td>
<td>Spaina</td>
<td>نوعی آهن خالص</td>
</tr>
<tr>
<td>7</td>
<td>Bodie</td>
<td>Caomian</td>
<td>Pambak dip</td>
<td>پنبه، نوعی گیاه</td>
</tr>
<tr>
<td>8</td>
<td>A</td>
<td>wuhuaguo</td>
<td>Hezir/ezir/aju/anjir</td>
<td>انجر</td>
</tr>
<tr>
<td>9</td>
<td>Falang</td>
<td>falang</td>
<td>Fārang</td>
<td>زوارنجک، نوعی موارد اولیه برای ساختن نوعی صنایع دستی</td>
</tr>
<tr>
<td>10</td>
<td>Kelile</td>
<td>kezi</td>
<td>Halila</td>
<td>هلیله، نوعی گیاه</td>
</tr>
<tr>
<td>11</td>
<td>Huluo</td>
<td>Bengsha</td>
<td>Furak</td>
<td>نوعی ماسه</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td>Huda</td>
<td>Huda</td>
<td>Khuda</td>
<td>خیدا</td>
</tr>
<tr>
<td>13</td>
<td>Husui</td>
<td>Xiangcai</td>
<td>Koswi/goswi</td>
<td>گنشین، نوعی</td>
</tr>
<tr>
<td>سری</td>
<td>معنی/آذری</td>
<td>معنی/فارسی</td>
<td>معنی/چینی</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>-----</td>
<td>------------</td>
<td>-------------</td>
<td>------------</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>14</td>
<td>Hupo</td>
<td>Hupo</td>
<td>Kahrupa:i</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>15</td>
<td>huoshile</td>
<td>Maqianzi/</td>
<td>Kucla/kucula</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>fanmubie</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>16</td>
<td>Junda</td>
<td>Jundacai</td>
<td>Gundar/gundur</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>17</td>
<td>Kuluma</td>
<td>Haizao/ yezao</td>
<td>Xurma</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>18</td>
<td>Mage</td>
<td>Mage</td>
<td>Magus</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>19</td>
<td>Masidaji</td>
<td>Ruxian</td>
<td>Mastaki</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>20</td>
<td>Mocha</td>
<td>Meishizisuan</td>
<td>Mādu</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>21</td>
<td>Mei</td>
<td>Fanshiliushu</td>
<td>Murd</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>22</td>
<td>Meishizi</td>
<td>Meishizisuan</td>
<td>Maxzak/muzak</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>23</td>
<td>Musu</td>
<td>Musu</td>
<td>Buksuk</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>24</td>
<td>Naimazi</td>
<td>Naimazi</td>
<td>Nāma:z</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>25</td>
<td>Naiqi</td>
<td>Shuixian</td>
<td>Nargi</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>26</td>
<td>nusha</td>
<td>nusha</td>
<td>Nushādir</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>27</td>
<td>Putao</td>
<td>Putao</td>
<td>Budāva/bātaka</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>28</td>
<td>Qidun</td>
<td>Qidunguo</td>
<td>Zeitun</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>29</td>
<td>Ruoliu</td>
<td>Anshiliu</td>
<td>(a)nārak</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>30</td>
<td>Sha</td>
<td>Shahuang</td>
<td>Shāh</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>31</td>
<td>Shier</td>
<td>Shizi</td>
<td>Ser/sir</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>32</td>
<td>Shizi</td>
<td>Shizi</td>
<td>Ser/sir</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

توجه و بررسی نخستین اثر و شواهد یان فارسی در چین: ردیابی از ایران پس از اسلام در چین معاصر
جدول شماره ۰۱: واژه فارسی را با آندازه‌گیری از زبان پاست قلم زبان معنا در زبان چینی

<table>
<thead>
<tr>
<th>آلت موسيقی</th>
<th>سورنا</th>
<th>نویع</th>
<th>انگلیسی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>33</td>
<td>Suna</td>
<td>Suna</td>
<td>Surna/zurna</td>
</tr>
<tr>
<td>34</td>
<td>tulin</td>
<td>Anshiliu</td>
<td>Dulim/dulima/durima</td>
</tr>
<tr>
<td>35</td>
<td>Yeximi</td>
<td>molihua</td>
<td>Yāsmir</td>
</tr>
<tr>
<td>36</td>
<td>Zumulu</td>
<td>Zumulu</td>
<td>Zumurrud</td>
</tr>
</tbody>
</table>

همانطور که در جدول قبل مشاهده است، از این ۳۳ واژه، ۰۷ تایی آنها عیبی نداشت. تلفظ قبیل خود هنوز وجود دارند و ۳۳ تایی آنها در تلفظ تغییر کردند. هر چند با مشاهده این تغییرات نمی‌توان یک راه را در مورد چرا این تغییرات ارائه داد، می‌توان این تغییرات را به‌طورکلی در سه دسته جای داد: ۰. انتشار سازی: برا ی مثل واژه شده است. در همچنین kezi تبدیل به واژه lile حذف و به جای آن از هجای Zi استفاده شده است. این هجا در زبان چینی بزرگترین از نوعی عادت زبانی است که با اضافه کردن به برخی از کلمات ماهیت اسمی به آنها می‌دهد. ۳. افزودن یک واژه چینی به واژه قبلی که این واژه قبلی متناظر معنایی با واژه است: برای مثال واژه huang به واژه shahuang، واژه shuzi ساخته شده است. ۳. استفاده از واژه‌ای با تلفظ بیکسی و یک واژه قبلی متقابل به یک واژه قبلی آن در یکی از واژه‌های بیانی دیگر استفاده از نویسه تصویرنگار با یک نویسه قبلی که فقط آوانگاری واژه فارسی به چینی بوده و از نظر شهید به واژه (shizi) به جای (shizi) به واژه (shizi) در معنای جلویان سیر، شاخص باشدکالی که در سمت چپ واژه اضافه شده است در زبان چینی در یک واژه‌ای به کار می‌روید که مربوط به جویانه است این رادیکال تصویر نگاری است با مفهوم نچه. با به عنوان مثلی دیگر می‌توان با استفاده از واژه (suona) به جای سایر شکل‌های نوشتاری آن در معنی ساز سورنا اشاره کرد. این تغییر شکل نوشتاری در رواج شکل واژه یا واژه‌ای خارجی به شکل واژه چینی تغییر داده است و به این ترتیب ول و واژه کامل‌ا با یک واژه چینی تبدیل شده است. چرا که این کار آن را به نویسه‌ای تصویرنگار تبدیل کرده است. این پیامدهای، در مواردی
باعث می‌شده که یک فرهنگ خارجی یا مهاجم در گذر زمان از دید چینیان تبدیل به فرهنگ کپی چینی شود. چه بسا امروز چینیان سوئیت را از خودشان می‌داشتد و حس نوستالژی عمیقی نسبت به آن دارند و چه بسا در فیلم‌های ساخته‌شده در مورد چین باستان، نواختن سوئیت در چین ها احساس ناواختن نی و ستوری را برای ایرانیان دارد.
حال آنکه ساز سوئیت سازی است که خود از مملکت پارس به سرزمین چین رسیده است. این پدیده که بخشی از رفتار شناختی چینیان را در پذیرش و پویش سازی فرهنگ های مهاجم نشان می‌دهد، پدیده سوئیت نامیده می‌شود (خوانگش شی-چیهان: ۱۳۸۷).

از بررسی این ۳۶ و ۳۷ وازه به چند نکته پی می‌ریم: اول، سیستم سیاسی آن دوره که نظامی با یک پادشاه بود، دوم، با طبقه‌بندی معنایی وازه‌ها می‌پنیم که در میان آنها یک وازه سیاسی (شاه)، چهار وازه دینی، یک وازه در حوزه موسیقی نام‌زد و سی و هواز در حوزه جهان مادی از جمله سنگ‌ها، حیوانات و گیاهان به جشم می‌خورند. پس می‌توان درفت هک برای چینی‌های باستان، فرهنگ خارجی یا مهاجم در حوزه دینی مادی و مسائل عینی بیش از مفاهیم انزاعی و اعتقادی با سیاسی و دینی قابل پذیرش بوده است.

۲. اولین مدرسه ترجمه و آموزش زبان فارسی در چین و نخستین فرهنگ‌لغت فارسی- چینی و ارزش آن در پژوهش‌های زبانی و فرهنگی در هر دو کشور ایران و چین

چین، نه تنها همبشه در صد یکی از ارتباطات دوستانه‌ای با سایر کشورها بوده است، بلکه کشوری با اقلیت‌های قومی فراوان نیز به حساب می‌آید. این امر حاکی از نیاز بسیار این کشور برای آموزش و ترجمه زبان‌های خارجی و زبان‌های اقلیت‌های قومی این کشور است. در دوران صلسله‌های غربی، زمانی که سفری‌ها نام سفری‌ها پیش‌گام بی‌ناام‌دانگی چین (۱۴۱۴-۱۴۷۸ م)، برای اولین بار به سرزمین‌های خارج از چین بی‌گذاشت که در غرب این سرزمین واقع شده بودند، در واقع موجب بیان شدن و رونق جاده ابریشم شد. او در طول عمر خود دوبار سفر چین در کشورهای اطراف شد که هربار موجب کشش بیش از پیش روابط خارجی شد. اگرچه نخستین مرحله‌های کشش زبان
فارسی‌ها در مقام آمدوش تجاری از طریق فلات ایران و از طریق ماوراء‌النهر، در امتداد جاده ابریشم، نمی‌توان بر اساس معنی مشخص کرد. (فراگنر، 1394)، زیرا شواهدی موجود است که تاثیرات فرهنگ پارسی حتی به دوران سلسله چین مشارکت‌باف خانمانی‌بان را می‌توان در طرح‌ها و تزیینات ااسل و چین‌گاه و تزیینات فلز پادشاه چین مشاهده کرد. اما، این سرودیان در دست نیست که بتوان آن را اثبات کرد.

با این حال، بعداً و در طول تاریخ می‌تواند شواهدی دال بر این امر بیافتد. پس از سفرهای سفیر چین، چنگ چیان به کشورهای غربی، این تعداد، بسیاری از مردمان پارس و پارت به سرزمین‌های تحت امپراتوری سلسله هان آمدند و همه‌را خود دیدند. نهایتاً بوادیان، مانوی و یهودی را به این سرزمین‌های آوردند. این مردمان برای حفظ فرهنگ و رسوم خود در میان خود شروع به آموزش و گسترش خطر و زبان فارسی و پارتی کردند. بعداً در اواخر قرن پیستم میلادی، در منطقه توران، مردمان به زبان فارسی و پارتی بروز و گسترش یافت. این موارد، گواهی همیشه سرزمین‌های پارس و خزی و زبان فارسی در طول تاریخ برای امپراتوری چین است.

در تاریخ چین به‌ویژه در سلسله مینگ که روابط تجاری و سیاسی چین با کشورهای اطراف پیشرفت چشم‌گیری داشت، برای حفظ و گسترش ارتباطات تجاری و سیاسی، فرستادن نامه به پادشاهان سایر کشورها جهت مناسب‌ساختن سیاسی، تجاری و آدی احترام و ترجمه نامها و استاد دریافتی از سایر نقاط و خارج از کشور، نیاز به تعداد زیادی مترجم بودانه گوینده و چنین چونگی داشته‌اند. به‌همین دلیل، ترویج این مترجمان سلسله مینگ در سال 1407 میلادی در شهر جنگیچه اولین مدرسه‌ای خارجی را بنا نموده‌اند. این مدرسه یکی از مؤسسات رسمی در تاریخ چین بود که برای آموزش و پرورش استعداد‌های زبان خارجی با هدف ترویج به این می‌رفت. این مدرسه در ابتدا هشت‌اندکه مخصص‌هدی هشت زبان خارجی و اقلیت‌های قومی داشت که شامل زبان‌های تانری، بربر، نجیان، خویی، خویی (فارسی)، توران، پی، هند و میانمار بود.
در سال ۱۵۱۱ میلادی زبان سرمایه‌ای دیگری در سال ۱۵۷۹ زبان تابن‌نی (باکتری‌ای) در ۲۰۰۸ این زبان‌ها همگی آسیبی به شمار می‌آمدند. در این مدرسه برای اولین بار، فرهنگ لغت چینی - معرفی تالیف شد و گم‌کردن و دانشکده به منظور آزمون و ترجمه زبان مورد نظر، فرهنگ لغت خود را تالیف کرد. این فرهنگ‌ها خواهی نیای یه‌ی معمور ترجمه چینی به خارجی نامیده می‌شدند. در آن زمان، چنین‌ها هنوز از ترتیب القاب و ایزها اطلاعی نداشتند. پس تمام این فرهنگ‌ها بر اساس احوال و ایزها طبقه‌بندی و باین‌دی شده بودند. مثلاً باب تجوم، باب جغرافیا، باب وسایل و... این فرهنگ‌ها عدم‌اً ابتدا در یک بخش از یک عنوان «زی» به معموری و ایزها گوناگون تالیف شدند و بعداً برای تکمیل نقوص آن‌ها یک بخش دیگر به عنوان «ضایعات» به آن‌ها افزوده شد. فرهنگ‌های مختلف جمعه و در بخش با عنوان‌های «اوله‌های گوناگون خویی خویی» و «ترجمه خویی خویی» در نخ گوناگون ویلی، انتخاب شمار به عنوان منابع ارزه‌سپاسی بسته و ناچیز برای نظارت راهنوردی می‌شدند. در حال حاضر یک نسخه در کتابخانه ملی در پاریس دو نسخه در رایان، یکی در کتابخانه ملی و دیگری در مرکز انجمن آسیایی پاریس. یک نسخه در کتابخانه پرکیتانا در شرکت و دو نسخه در کتابخانه پیکن گنگری می‌شود. هر یک از این نسخه‌ها به هم شاهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. لیو بینگ شکل که در کتاب که در سال ۲۰۰۸ منتشر گرد که انتشار این نسخ خطی اطلاعات جامعی را در مورد این نسخ در اختیار ما قرار می‌دهد. در ادامه مقاله به مطالعه این نسخ خطی که در کتاب مذکور آورده شده است به بررسی آنها می‌پردازد. در مورد چگونگی تالیف این فرهنگ‌ها به یک نسخه از آنجایی که فرهنگ خویی خویی که در سیستم جامعی شکل می‌گیرد که حائز اهمیت است. فرهنگ خویی خویی که در سیستم جامعی باید است تالیف شده است به هدف ترجمه کتاب، به صورت آمگاری به یکن چنین تالیف شده است، به این صورت که واژه فارسی به‌طور خودکار آوردگاه به کلمه فارسی آورده است و در زیر آن معنی چنین آ، کتاب معنی چنین آورگردی به یکن لاین، زیر آن معنی لاین، این معنی نظارت و‌ازه فارسی با هجای چنین آورگاردی شده است و در آخر پایین‌های هر‌ها تلخ وان آ
(آمریکا) a si em
(آمریکا) a si mang

(阿思马恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang

(阿思馬恩) a si em
(阿思馬恩) a si mang
شامل آن منون اصلی و ترجمه‌هایی بود که مربوط به امور خارجی کشور می‌شد. به‌عنوان نامه‌ها و استاد اصلی رود و بنی‌شده بین کشور‌ها و...

اولین نسخه‌هایی که نسخه‌هایی حاوی خط فارسی، فقط بخش «واژه‌های گوناگون» را داشتند، اما نسخه‌های بعدی شامل بخش‌های «اضافات» و «منابع» اصلی بوده است. آنچه امروزه در کتابخانه‌های موجود است، این جلد، «واژه‌های گوناگون خویی‌خویی» و «ترجمه‌های خویی‌خویی» نیز هر دو، نسخه‌هایی که آنها موجود بودند، محسوب می‌شدند.

یکی از ایجادکنندگان نظام آموزش زبان خارجی در دوره سلسله میانگین، وامزاره‌های وارده در زبان به صورت نظام‌های ممکن می‌گویند. در این زمینه، تلاش‌ها و باشند. نسخه اولیه که تا زمان پیش‌بینی شده. شماره ۷۷ وازه و در قسمت‌های اضافات و «منابع اصلی» در نسخه‌های بعدی ۱۳۷۸ وازه افزوده شده است.

که در مجموع این فرهنگ گرفته. نسخه ۱۰۱۰ وازه را در خود جای داده است. نسخه «خویی» از نگرگونی فرهنگ بدون خط فارسی نیز نمی‌توان شاید در مجموعه ۷۰ وازه‌ای که از این تعداد ۷۱ وازه با «سی‌بی این گوتین» پیکسین است و ۳۰۳ وازه در «سی‌بی این گوتین» به‌جای نمی‌خورند. از برآورد نمی‌توان خط فارسی، این نگرگونی دارد.

در مجموعه به ۱۳۱۳ وازه‌ای دست یافته که. در دو نسخه فرهنگ لغت موجود در کتابخانه‌ای یکین بیشتر ترجمه وازه به صورت می‌خورند، اما تعداد اندازه ترجمه اصطلاح نیز وجود دارد. در میان وازه‌ها، وامزاره‌های عربی، ترکی و چینی هم وجود دارند که تعداد وامزاره‌های عربی بیشتر است. باید شایان ذکر است که در آن زمان نبوده است.

بیشتر به لهجه دیگر و تاجکی نزدیک بوده است.

۷۱۷ وازه در دو نسخه «واژگان گوناگون خویی‌خویی» و «ترجمه‌های خویی‌خویی» حاوی خط فارسی در ۱۸ باب به صورت زیر طبقه‌بندی شده است:

باب نجوم (۴۰ وازه)
باب جغرافیا (۵۶ وازه)
باب زمان‌ها و فصول (۴۱ وازه)
باب اشخاص (۶۵ وازه)
باب مقامات (۹۸ وازه)
باب اندام‌ها و بدن (۵۰ وازه)
باب قصر (۲۵ وازه)
باب حیوانات (۴۹ وازه)
باب گیاهان (۴۲ وازه)
باب وسایل (۵۰ وازه)
باب پوشاک (۲۶ وازه)
باب خوراک‌ها و آشامیدنی‌ها (۳۳ وازه)
باب جواهرات (۱۸ وازه)
باب صدای و زنگ‌ها (۱۷ وازه)
باب ادبیات و تاریخ (۱۷ وازه)
باب مرزها و حدود (۲۴ وازه)
باب اعداد (۱۸ وازه)
باب مشترکات (۱۰۸ وازه)

بعداً ۲۳۳ وازه در بخش اضافات، به صورت زیر به این وازه‌ها افزوده شد:
باب نجوم (۷ وازه)
باب جغرافیا (۱۴ وازه)
باب زمان‌ها و فصول (۷ وازه)
باب اشخاص (۸ وازه)
باب مقامات (۱۰ وازه)
باب اندام‌ها و بدن (۹ وازه)
باب قصر (۶ وازه)
باب حیوانات (۱۲ وازه)
باب گیاهان (۱۱ وازه)
در نسخه بدون خط فارسی غیر از باب مرزها و حدود، همه باب‌ها وجود دارد و
تنها در ترتیب باب بنده‌ها کمی جایگاه‌گیری صورت گرفته است و گاهی در نام‌گذاری
باب‌ها از کلمات مترادف با عناوین نسخ جاوری خط فارسی استفاده شده است.
نواستن‌کننده نسخ بدون خط فارسی افرادی بودند که اصلاً به خط و زبان فارسی و
غربی آشنا بودند. این‌ها کاملاً می‌توانند از دسترسی و اشتباهات املا ای آنان جلوگیری نمایند.
برای مثال در نسخه بدون خط فارسی به نام «ای شی بین» چهل و نهمین واژه در باب
"بیشتر از (pinyin: de er ya)
می‌باشد، اما در این نسخه به صورت
"بیشتر از (pinyin: de er zi)
شده است، می‌توان دریافت که در اینجا
"آوانتاری (pinyin: yu) آن‌ها احتمالاً شکل
آوانتاری چینی آخرين هجای وزه دریا در یکی از نسخه‌ها بوده است به‌علت شیوه
ظراری به اشتباه به صورت (pinyin: zi) یک کاربردی شده است و این اشتباه
تنها از کسی برای آن که شناختی به زبان و خط فارسی نداشته باشند، زیرا اگر نگارند
با تغییر وزه دریا آشنا بود، احتمال این قبل اشتباهات به صفر می‌رسید. در ادامه چند
مثال از نسخه «سی تی گوئین» می‌آوریم:  
در اولین باب، باب نجوم، اولین وزه فارسی، وزه آسمان (pinyin: a si ma en) به معنی چینی
"آوانتاری چینی (pinyin: tian) در یکی از نسخه‌ها به صورت
"بیشتر از (pinyin: de er ya)
اسلام در چین معاصر.

باب وسایل (11 وزه)
باب پوشاک (9 وزه)
باب خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها (6 وزه)
باب جوانه‌ها (10 وزه)

به باب‌های 14، باب صداها و رنگ‌ها، 15، باب ادبیات و تاریخ و 16، باب مرزها و
حدود، چیزی اضافه نشده.

باب اعداد (12 وزه)
باب مشترکات (101 وزه)
در باب زبان‌ها و فصول، وازه سال (sāl)، معنی حینی: 

اولانگاری چینی‌ (pinyin: sa le) در نسخه خویی تونگ کونن بن به صورت (pinyin: sa li) اولانگاری شده است و برای معنی سن هم اورده نشده است.

در باب ادبیات و تاریخ، وازه کاغذ (kāghaz) (pinyin: kāghaz) چینی: در نسخه خویی تونگ کونن بن در باب وسایل اورده شده است و به همین صورت اولانگاری نیز اولانگاری

نشته است. در برخی از نسخه‌های دیگر به صورت شده است.


tیمجه گیری

با مطالعه آثار و شواهدی از خط و زبان فارسی در سرزمین چین، از جمله وام وازه‌های ایرانی که برخی از آنها هنوز هم در زبان چینی عناصری از مدله است و کاربرد دارد، همچنین نخستین مدرسه عالی ترجمه زبان خویی (فارسی) و اولین فرهنگ نغت فارسی- چینی، می‌توان به ارتباط متقابل چین و ایران در طول سال‌های دراز پی برد. هرچند وام وازه‌های باقی مانده از سلسله بیان و مدرسه ترجمه و اولین فرهنگ نغت به سلسله مبنگ و اولین سلسله چینی دیگر، اما شواهدی دال بر قدمی‌تر بودن ارتباطات وجود دارد، با معروفیت مثال ترجمه‌های تخت و ابزار بافندگان چینی به خواص هم‌نامه با سلسله هخامنشیان اریان گواه برای ان امر است.

با بررسی فرهنگ وام وازه‌های زبان چینی در ایران که 101 وام وازه‌ای ایرانی در زبان چینی وجود دارد. همین این وام وازه‌ها رشته فارسی دارند و شامل اساسی تعدادی کیسه، حیوان، روزهای هفته، تام‌های مذهبی و... می‌شود. اما از این 101 وام وازه، دیگر کاربردی در زبان چینی معاصر ندارند، ولی 37 وام وازه به زبان چینی معاصر راه پیدا کرده است. البته برخی از آنها از نظر تلفظ و کاهش از نظر معنی تغییراتی کرده‌اند.

تکنیک دیگر اینکه اولین مدرسه ترجمه زبان‌های خارجی در چین در سلسله مبنگ در آغاز با هشت دانشکده زبان‌های مختلف آسیایی و اقلیت‌های قومی کار خود را شروع کرد و بعداً به ده دانشکده رسید. دانشکده زبان خویی خوبی که هم‌بین دانشکده زبان
تنخستین اثر و شواهد زبان فارسی در چین: ردپایی از ایران پس از اسلام در چین معاصر

فارسی بود با هدف اموزش و ترجمه اسناد زبان فارسی شکل گرفت و نخستین فرهنگ لغت فارسی- چینی ماهوری علی‌محمد دانشکده بود. امروز هشت نسخه از این فرهنگ لغت باستانی، دو نسخه در چین و در کتابخانه پکن و شش نسخه دیگر در فرانسه و زاین و آلماون انگلستان نگهداری می‌شود. این نسخه‌ها باهم شاهد خواهند شد و تفاوت‌هایی دارند. برای مثال به سبب پیکانه‌های زبانی چینی فرهنگ‌ها، این فرهنگ‌ها بر اساس نوع و ماهیت واژه‌ها در باب‌هایی نجوم، جغرافیا، ادبیات و تاریخ و...

طبقه‌بندی شده است و برای آن‌گونه‌ای که زبان‌های فارسی از سیستم هیجانی چینی کمک گرفته شده است. در نسخ مختلفی که انتخاب نمایان زبان‌های چینی تریب باب‌ها و یا جایگاه واژه‌ها در باب‌ها متفاوت بود. حتی ممکن بود خط فارسی در برخی نسخه‌ها یا توجه به هدف ترجمه شفاهی یا کتابی، کاملاً حذف شود. این فرهنگ‌ها اطلاعات بسیار خوبی درباره شرایط زبان قوم خوبی چین در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی، ایران‌نشانی، روابط خارجی چین با کشورهای غربی اش، تاریخ اسلام در چین، فرهنگ‌های پیکانه و مهاجم در چین باستانی، نظام آوایی زبان چینی در دوره سلسله مینگ، وام و واردشده در زبان‌ها در سلسله بیان، آموزه‌های دینی و زبانی مسلمانان چین و...

در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند.

همه این آثار و شواهد کوهرنگیهی گستردگی که نشان می‌دهد زبان و خط فارسی نه تنها برای پارسیان بلکه برای تمام ساکنان آسیا، حتی غیر مسلمانان، به عنوان عامل هموی محصول می‌شود. می‌توان گفت زبان فارسی با ویژگی تصریفی اش به نه نظیری مثبت فوق‌العاده‌ای در انطباق با سایر زبان‌های تصریفی دارد. بلکه به سبب هسته‌ای بودن چگونه سرزمین‌پارس در دوران باستان نقص خوبی را در ورود به چنین و حتی ورود به زبان‌های چینیی ایفا کرد است. این امر نیک‌گزاران این است که بهترین ماهیت زبان فارسی، بلکه چگونه سرزمین‌پارس به عنوان قطب مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، خاصیت بین‌المللی شدن و فراگیر شدن این زبان را در طول عصور فراهم آورده است.

پی‌نوشت‌ها

1回回
2黄時鉴

[美]劳费尔（1964），《中国伊朗编》，林筠因译。北京：商务印书馆。

熊宗立（1986），《居家必用事类全集》。北京：书目文献出版社。

黄时鉴（1993），现代汉语中的伊朗语借词初探——兼从一个侧面看中国文化心理，叶奕良主编《伊朗学在中国论文集》：29-38 页。北京：北京大学出版社。

黄时鉴（1998），元代四体铭文铜权的考释——认识读波斯文铭文为主，叶奕良主编《伊朗学在中国论文集》：41-47 页。北京：北京大学出版社。

刘迎胜（2002），回族与其他一些西北穆斯林民族文字形成史初探——从回回字到“小经”文字，《回族研究》第 45 期：5-13 页。宁夏：宁夏新闻出版局。

中国社会科学院语言研究所词典编辑室（2005），《现代汉语词典》，第五版，北京：商务印书馆。

刘迎胜（2008），《回回馆杂字》与《回回馆译语》研究。北京：中国人民大学出版社。
陶宗仪、朱谋垔（2019），《书史会要续书史会要》。浙江：浙江人民美术出版社。